

**جهان امروز در گفتگو با رفیق صلاح مازوجی**  
**"انتخابات ریاست جمهوری ایران" و**  
**بیانیه کمیته پیگیری ایجاد تشکل های مستقل و آزادکارگری**

جهان امروز: انتخابات ریاست جمهوری ایران در ماه های آتی برگزار می شود و هنوز کاندیداهای قطع این پست اعلام نشده اند و بنظر می رسد که رژیم خود جهت بازار گرم به پخش شدن شایعات مختلف در این زمینه میدان داده است. اصلاح طلبان هم بطور مستقیم و غیر مستقیم به طرح شروط خود پرداخته اند. شما اهمیت سیاسی این انتخابات را چگونه ارزیابی می کنید؟

صلاح مازوجی: همانطور که خودتان اشاره کردید لیست کاندیداهای این پست در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هنوز قطعیت پیدا نکرده است و هیچکدام از کسانی هم که تاکنون از جانب جناح محافظه کار معرفی شده اند و یا خود پا به جلو گذاشته اند و هر کدام در نهادینه کردن شکنجه و کشتار و بی حقوقی مردم نقش برجسته ای داشته اند، هنوز از جانب خامنه ای مورد تایید قرار نگرفته اند. شایعات حول به میدان آمدن و یا معرفی کاندیداهای دیگر برای احراز این پست هنوز زیاد است. بخشی از این وضعیت و تلاشهایی که در جریان است را می توان به حساب بازار گرمی برای انتخابات گذاشت، اما واقعیت این است که جناح محافظه کار در معرفی کاندیداهای مورد نظر خودش با بحران روبرو شده است. برای خامنه ای دشوار است که از میان کاندیداهای موجود و مهره هایی که مطرح هستند یکی را بعنوان کاندید اصلی جناح محافظه کار به جلو صحنه براند، دشواری این امر ناشی از دسته بندی ها و جناح بندی هایی است که در درون جناح محافظه کار شکل گرفته است. برای نمونه مدت پیش «شورای هماهنگی نیروهای انقلابی» بدون حضور آبادگران و ایثارگران، لاریجانی را که پرونده فساد مال ۵۲۵ میلیارد دلاری اش در صدا و سیما چند ماه پیش بسته شد، را بعنوان کاندید ریاست جمهوری معرفی کرده است، در صورتی که آبادگران و ایثارگران حداد عادل را برای احراز این پست مناسب تر می دانند. از طرف دیگر هاشمی رفسنجانی که به قول خودش هرچه به انتخابات نزدیکتر می شود احساس می کند مسئولیتش سنگین تر از آن است که خود را کنار بکشد، برای خود بازار گرمی می کند.

این تشنتت آرا بر سر معرفی کاندیدای ریاست جمهوری، تزلزل و عدم قاطعیت خامنه ای در تعیین یکی از این کاندیداها ناشی از وجود بحران و سردرگمی ای است که جناح محافظه کار را فرا گرفته

است. جناح محافظه‌کار در میان تب و تاب کشمکش‌های درونی و در حالی که می‌خواهد قدرت اجرائی را بطور کامل به تصرف خود در آورد، دارد از نو خود را تعریف می‌کند. جناح محافظه‌کار با شکست اصلاح‌طلبان حکومتی می‌رود تا بیش از هر زمان دیگری خود را با نیازهای بورژوازی ایران انطباق دهد و در همین راستا باید بحران دیپلماسی اتمی، معضل عادی کردن رابطه با آمریکا و فشار دولت‌های اروپا که در موضع‌گیری در قبال رژیم اسلامی مواضع‌شان را به مواضع آمریکا نزدیک کرده‌اند را حل کند. و در همان حال با ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در میان ارگان‌های مختلف حکومتی در عرصه سیاست‌گذاری چهره با ثبات‌تری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه مناسبات بین‌المللی از خود نشان دهد. اختلاف نظر بر سر چگونگی پیشبرد این روندها ماهیت طیف‌بندی‌های درون جناح محافظه‌کار را توضیح می‌دهد.

اکنون جناح محافظه‌کار و شخص رهبر در مقابل این سؤال قرار گرفته‌اند که کدام یک از کاندیداهایی که تاکنون مطرح شده‌اند در موقعیت مناسب‌تری برای تعقیب این استراتژی قرار گرفته‌اند. جناح محافظه‌کار به رئیس جمهوری نیاز دارد که بتواند پیوستگی سیاست‌ها و عملکرد تاکنونی جناح محافظه‌کار با استراتژی‌ای که در پیش گرفته‌اند را نشان دهد، بتواند با عوارض سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی که میلیون‌ها خانواده را به روز سیاه نشانده است مقابله کند. از همین رو است که این روزها هاشمی رفسنجانی که پایه‌گذار استراتژی نئولیبرالی و طراح برنامه‌های تعدیل اقتصادی و بیکارسازی‌های توده‌ای و عامل گسترش خصوصی‌سازی در عرصه بهداشت و آموزش و پرورش بود و در کشتار مخالفین سیاسی و سازمانده قتل‌های زنجیره‌ای شهری جهانی پیدا کرد، آهسته آهسته پا به جلو صحنه مبارزه انتخابات می‌گذارد. با این همه پراگماتیسم رفسنجانی هنوز به وی اجازه نداده است تا کاندیداتوری خود را رسماً اعلام کند، چون می‌داند برای احراز پست ریاست جمهوری به تایید ولی فقیه احتیاج دارد.

اما اگر پراگماتیسم رفسنجانی گزینش او از جانب رهبر را با مشکل روبرو می‌کند، از طرف دیگر همین پراگماتیسم است که او را به چهره مورد نظر دولت‌های غربی در کنار آمدن با آمریکا و حل بحران هسته‌ای تبدیل کرده است و سمپاتی‌بخشهایی از اصلاح‌طلبان را نیز برانگیخته است.

آنچه روشن است از حضور توده‌های مردم در این انتخابات خبری نخواهد بود. توده‌های مردم با نرفتن به پای صندوق‌های رای‌گیری بار دیگر جمهوری اسلامی را تحقیر خواهند کرد و از این لحاظ سرنوشت این انتخابات بهتر از انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس هفتم نخواهد بود. شاید از آنجا که جناح محافظه‌کار نمی‌تواند مشروعیت نظام اسلامی‌اش را با بسیج مردم در روز

انتخابات به نمایش بگذارد. این عدم مشروعیت را با معرفی کاندید مورد نظر دولت های غربی جبران میکند.

جهان امروز: دولت آمریکا اخیرا اعلام کرده است که نوع فشارهای خود بر جمهوری اسلامی را عوض خواهد کرد و از این پس می‌کوشد با عرضه مشوق‌های اقتصادی ایران را ناچار کند از پروژه‌های تولید سلاح اتمی چشم‌پوشی نماید. شما در این باره چگونه فکر می‌کنید؟

صلاح مازوجی: قبل از هر چیز باید این را بگویم که فشارها و تهدیدات آمریکا علیه رژیم اسلامی ایران، از اعمال محاصره اقتصادی یکجانبه گرفته تا محور شرارت خواندن آن و چه آن موقع که به کمک اسرائیل با سخن راندن از حمله نظامی به مؤسسات اتمی ایران یک جنگ روانی را علیه آن راه انداختند، همه با این هدف صورت گرفت که جمهوری اسلامی را در جهت انطباق هر چه بیشتر آن با منافع امپریالیستی آمریکا تعدیل دهند. تهدید نظامی و براه انداختن یک جنگ تمام عیار علیه ایران هیچگاه جدی نبوده است و در شرایط کنونی که آمریکا در باتلاق جنگ عراق گرفتار آمده است، کمتر از هر زمان دیگری است.

شکی نیست که پافشاری جمهوری اسلامی بر تداوم پروژه غنی‌سازی اورانیوم و تهیه سوخت اتمی، دخالت‌های آن در عراق، کارشکنی‌هایش در پروسه صلح اعراب و اسرائیل با منافع آمریکا در تضاد است، اما روند اوضاع مدتهاست که کاخ سفید را متقاعد کرده است که رام کردن جمهوری اسلامی و تعدیل سیاست‌های آن بدون توسل به زور هم امکان‌پذیر است.

اگر در گذشته جمهوری اسلامی با بهره‌جستن از شکاف بین اروپا و آمریکا به فشارها و انتظارات آمریکا جواب سربالا می‌داد و در تلاش بود که از طریق گسترش مناسبات اقتصادی با اروپا مسیر ادغام هر چه بیشتر در بازار جهانی سرمایه را طی کند. اما اکنون بویژه بدنبال لشکرکشی آمریکا به عراق و اشغال این کشور اوضاع تغییر کرده است. اشغال عراق و مشکلات و موانعی که آمریکا در استقرار ثبات مورد نظرش با آن روبرو شده است، آمریکا را علی‌رغم برتری نظامی‌اش متقاعد کرده است که در باز تقسیم امپریالیستی جهانی و شکل‌دادن به نظم منطقه‌ای مورد نظرش در خاورمیانه سهم رقبای اروپایی و حتی قدرت‌های منطقه‌ای را به اندازه نیرویی که دارند عملا به رسمیت بشناسد. از طرف دیگر اروپا هم نمی‌خواهد در مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا را دور بزند و به آمریکا بهانه دهد تا یکجانبه سیاست و پروژه‌هایش را مستقل از اروپا در مورد

ایران پیش ببرد. اروپا تحت فشار آمریکا مجبور شد از سرگیری مذاکرات برای گسترش روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی را به پذیرش قطع پروژہ‌های غنی‌سازی اورانیوم موکول کند. و آمریکا نیز سرانجام موضع سه کشور اروپایی را که برای حل دیپلماسی هسته‌ای با ایران باید به عرضه مشوق‌های اقتصادی تن دهد را پذیرفت.

هنوز موانع زیادی بر سر راه عادی سازی روابط جمهوری اسلامی با آمریکا وجود دارد، اما آنچه مهم است این واقعیت است که جمهوری اسلامی آمادگی این را پیدا کرده است که سیاست‌هایش را هر چه بیشتر با استراتژی امپریالیستی آمریکا در منطقه وفق دهد.

آمریکا برای شکل دادن به خاورمیانه بزرگ که ایران هم شامل آن می‌شود و با به رخ کشیدن قدرت نظامی در عراق ظهورش را نوید داده است، اساسا به تشدید روند خصوصی‌سازی، حاکمیت بازار آزاد و در پیش گرفتن الگوی نئولیبرالیسم اقتصادی، پیروی از برنامه‌های مراکز مالی جهانی و فشار آوردن جهت پیوستن این کشورها به سازمان تجارت جهانی و شروع روند دمکراتیزاسیون از نوع قطر و عربستان سعودی که هنوز هم زنان در آن حق رای ندارند متکی است. با این وصف چرا رژیم جمهوری اسلامی که بیش از یک دهه است الگوی نئولیبرالیسم اقتصادی را در پیش گرفته و طرح‌های مراکز مالی جهانی را یک بعد از دیگری به اجرا در آورده است و به سرعت به طرف ادغام هر چه بیشتر در بازار سرمایه جهانی قدم برداشته است نمی‌تواند با استراتژی امپریالیست آمریکا خود را انطباق دهد؟. جمهوری اسلامی با برنامه و استراتژی اقتصادی که در پیش گرفته است تاکنون بارها درخواست‌هایش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی با مخالفت آمریکا روبرو شده است. بنابراین عرضه مشوق‌های اقتصادی به جمهوری اسلامی از جانب آمریکا در شرایط کنونی نه تنها کار دشواری نیست بلکه می‌تواند با استراتژی منطقه‌ای آمریکا خوانایی داشته باشد.

از طرف دیگر بر خلاف این تصور نادرست که بدنبال ۱۱ سپتامبر در میان بسیاری از نیروهای اپوزیسیون ایران شکل گرفت که گویا منافع امپریالیستی آمریکا با اسلام سیاسی تعارض پیدا کرده است، ما شاهد همگرایی جنبش‌ها و نیروهای اسلام سیاسی با نظم امپریالیستی مورد نظر آمریکا بوده‌ایم.

آمریکا اگر در دوره جنگ سرد برای مقابله با گسترش نفوذ شوروی بطور تاکتیکی از گروه‌ها و دستجات اسلامی حمایت و پشتیبانی می‌کرد، اکنون نمونه‌های سودان، افغانستان، ترکیه و عراق همه بیانگر این واقعیت است که آمریکا تلاش می‌کند استراتژی و نظم منطقه‌ای مورد نظر خودش را با اتکا به اسلام سیاسی پیش ببرد. آمریکا در عراق نه تنها با جریانات اسلامی طرفدار جمهوری

اسلامی ایران کنار آمده است، بلکه عملا از نفوذش بر نیروهای سیاسی دیگر در جهت تحکیم پایه‌های یک رژیم اسلامی در عراق استفاده می‌کند. این واقعیات نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به همین روند بپیوندد.

بنابراین می‌توان گفت که علی‌رغم نوسانات و افت و خیزهایی که در سیاست‌های آمریکا در قبال رژیم اسلامی ایران و متقابلا وجود دارد با این همه روند عمومی اوضاع سازگاری هر چه بیشتر جمهوری اسلامی با نیازهای امپریالیستی آمریکا را نشان می‌دهد و همین روندهاست که احتمال حمله آمریکا به ایران را به شدت کاهش می‌دهد.

بنابراین در مقابل تبلیغات این طیف از اپوزیسیون بورژوازی که حتی بعد از فجایع عراق هنوز هم برای حمله آمریکا به ایران روز شماری می‌کنند نه تنها باید ضدیت منافع آمریکا با منافع توده‌های مردم ایران را نشان داد بلکه نسبت به این نوع تبلیغات که مردم را در حال سکون و انتظار به امید حمله آمریکا نگاه می‌دارد شدیداً هشدار داد.

جهان امروز: شما در صحبت‌هایتان به وضعیت جناح محافظه‌کار رژیم اشاره کردید، موضع‌گیری و برنامه‌های اپوزیسیون لیبرال و جمهوری خواه ایران در قبال این انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صلاح مازوجی: بدنبال شکست اصلاح‌طلبان حکومتی اپوزیسیون لیبرال و جمهوریخواه ایران راهنمای حرکت خود را گم کرد، این بخش از اپوزیسیون بورژوازی ایران علی‌رغم تلاش‌ها و همایش‌های متعددی که ترتیب دادند هنوز نتوانسته‌اند به آشفته‌گی درون صفوف خود پایان دهند.

این بخش از اپوزیسیون با این وضعیت که دارند هنوز نتوانسته‌اند سیاست و موضع یکسانی در قبال نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اتخاذ کنند. بخشی از جمهوری خواهان و لیبرال‌های داخل و خارج کشور به پیروی از جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و با بکار بستن فلسفه انتخاب میان بد و بدتر، مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند.

گروهی دیگر از جمهوریخواهان لیبرال اتخاذ تاکتیک مشخص در این رابطه را زودرس می‌دانند و منتظر نتایج نظارت استصوابی شورای نگهبان هستند. برخی از اینها که در توهم برکناری جمهوری اسلامی بوسیله یک فرماندوم بسر می‌برند، معتقدند که در روز انتخابات مردم با پرچم‌های سفید و شعار فرماندم به خیابان‌ها بریزند. اینها فکر می‌کنند که اگر جمهوری اسلامی متوجه شود که مردم او را نمی‌خواهند، در یک روز آفتابی با تمام ارتش، سپاه پاسداران و ماشین‌سرکوبش حکومت را

تحويل ليبرال‌هاى متوهم مى‌دهد و مى‌رود.

در اين ميان شورى سياسى اتحاد جمهورى خواهان ايران بعنوان سازمانيافته ترين بخش اپوزيسيون ليبرال مى‌خواهد با مطالبه يك انتخابات آزاد از جمهورى اسلامى و طرح ضرورت تحولات بنيادى و ارائه برنامه مشخصى براى آن، يك شخصيت ملى را بعنوان كانديدائى مدافع چنين برنامه‌هاى معرفى كند، و در همين راستا پلاتفرم خود را مبنى بر آزادى زندانيان سياسى، آزادى احزاب و سازمانهاى كه فعاليت خود را بر فعاليت مسالمت آميز استوار كرده‌اند، لغو نظارت استصوابى، آزادى مطبوعات، حذف سانسور، آغاز مذاكرات با آمريكا، همكارى با پروسه صلح خاورميانه و... را اعلام كرده‌اند.

اينها در واقع خيال تكرر سناريوهائى شبیه گرجستان، اوكرائين و قرقيزستان را در سر مى‌پرورانند و چنان شيفته اين انقلابات مخملى شده‌اند كه قدرت تحليل اوضاع و احوال را از دست داده‌اند. اينها از يك طرف عملاً تاكتيك مشروعيت دادن به پروسه انتخابات را در پيش گرفته‌اند و به گرم كردن تنور انتخابات خدمت مى‌كنند. از سوى ديگر اينها با پلاتفورمى كه ارائه داده‌اند به قول خودشان مى‌خواهند «از فرصت مناسب نهمين دوره انتخابات رياست جمهورى استفاده كنند» تا حمايت جنبش زنان، جنبش جوانان و ديگر جنبش‌هاى اجتماعى را جلب كنند و امكان يابند اين جنبش‌ها را در خدمت استراتژى سياسى خود قرار دهند.

اينها تهديد كرده‌اند كه اگر جمهورى اسلامى به انتخابات آزاد تن ندهد از حضور سفيد و اعتراضى در روز انتخابات پشتيبانى مى‌كنند.

براى همه كسانى كه مجادلات و مباحث برنامه‌هاى اين بخش از اپوزيسيون را تعقيب كرده و از آن اطلاع دارند كاملاً روشن است كه استراتژى و برنامه‌هاى اقتصادى اين بخش از اپوزيسيون همان برنامه‌هاى اقتصادى رفسنجانى است. اينها مى‌خواهند مناسبات سرمايه‌دارى ايران دست نخورده باقى بماند. اينها با اين برنامه‌هاى اقتصادى كه دارند حتى نمى‌توانند پلاتفرم اعلام شده خود را متحقق كنند. طبقه كارگر ايران و توده‌هاى ستمديده اين جامعه بيش از يك دهه است كه دارند عوارض مصيبت بار پيشرفت همين برنامه‌هاى اقتصادى را تجربه مى‌كنند. جنبش كارگرى و ديگر جنبش‌هاى اجتماعى در ايران هيچ نفعى در پيوستن به آلترناتيو اين آقاى ندارند.

اينها از روزى كه پا به دنياى نيروهاى اپوزيسيون گذاشته‌اند انقلاب را تخطئه كرده‌اند، اينها طرفدار راه حل گام‌به‌گام تدريجى و مسالمت آميز هستند و اين يعنى استراتژى اصلاح جمهورى اسلامى، اينها مى‌خواهند جمهورى اسلامى سر كار بماند و با حضور سفيد اعتراض در روز انتخابات و فرصت‌هاى ديگر آن را اصلاح كنند. طرح برگزاري رفراندوم، بيانيه ۵۵۲ نفر، بيانيه ۵۶۵

نفر همه اینها در جهت تخطئه انقلاب و اصلاح گام به گام جمهوری اسلامی است. اینها این توهم را در میان مردم دامن می‌زنند که جمهوری اسلامی ممکن است در جهت تحقق خواست‌های مردم اصلاح شود. اینها می‌خواهند به افکار عمومی القا کنند که با اعتراضات سفید و بدور از خشونت امکان این وجود دارد که به مرور از غلظت قوانین ارتجاعی اسلامی‌اش کاسته و جمهوریتش تقویت شود. جمهوری تمام عیار این آقایان از همین مسیر می‌گذرد. پافشاری اینها بر استراتژی تخطئه انقلاب و نفی خشونت نشان می‌دهد که شعار جایگزینی این بخش از اپوزیسیون پوچ و توخالی است. باید به کارگران و توده‌های مردم ایران نشان داد که خواست آزادی سیاسی، آزادی عقیده و مطبوعات با استراتژی تغییرات تدریجی این آقایان و امید بستن به اصلاحات از درون رژیم قابل تحقق نیست.

جهان امروز: همانطور که خودتان خبر دارید مدتی پیش بیانیه‌ای از جانب کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های مستقل و آزاد کارگری منتشر شد که بنا به گزارشات حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران آن را امضا کردند. شما این حرکت را در دل وضعیت کنونی جنبش کارگری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صلاح مازوجی: بنظرم این حرکت را باید بر متن موقعیت کنونی جنبش کارگری و تقابل گرایشات درون آن مورد ارزیابی قرار داد. همه ما شاهد بودیم که با ظهور پدیده دوم خرداد در سال ۷۶ و اقدامات متعاقب آن در ارتباط با سازمان جهانی کار و پذیرش برخی از مقوله‌نامه‌های این سازمان که موانع سر راه ورود ایران به سازمان تجارت جهانی را هموار می‌کرد، گرایش رفرمیست درون جنبش کارگری که هسته مرکزی آن هیئت مؤسس‌سندیکاها بودند امیدوار شدند که در اتحاد سیاسی با دوم خردادی‌ها و با دخالت «آی. ال. او» تشکل‌های مورد نظر خود را از بالای سر کارگران بسازند. اما این طرح شکست خورد و سر انجام «آی. ال. او» در مهر ماه سال گذشته در توافق با وزارت کار جمهوری اسلامی خانه کارگر را بعنوان تشکل کارگری برسمیت شناخت. در تمام طول این دوره فعالین سوسیالیستی درون جنبش کارگری تلاش کردند که ماهیت واقعی تشکل‌های مورد نظر «آ. ال. او» و دوم خردادی‌ها را برای کارگران روشن کنند. این بخش از فعالین کارگری با تلاش‌های خود توانستند این نوع تشکل‌ها و ساخت و پاخت «آی. ال. او» با وزارت کار و خانه کارگر رژیم را از قبل بی‌اعتبار کنند.

بیانیه کمیته پیگیری که ضمن بیان فشرده معضلات واقعی کارگران اعلام می‌کند که توافقات «آی. ال. او» را به رسمیت نمی‌شناسد، تا جایی که به فعالین هیئت مؤسس‌سندیکاها در درون این حرکت

بر می‌گردد اعتراض است به «آی. ال. او» که چرا این دوستان ما را بحساب نیاورده‌اند. بیانیه کمیته پیگیری، بجای دعوت کارگران به اقدام عملی و مستقیم برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای کارگران آنان را در انتظار اقدامات وزارت کار جمهوری اسلامی نگاه می‌دارند. موضع گیری‌های کمیته پیگیری این تصور را دامن زده است که این بار فعالیت هیئت مؤسس سندیکاها می‌خواهند برای فشار آوردن به خانه کارگر و واداشتن «آی. ال. او» برای بحساب آوردنشان به بسیج توده کارگران و اعمال فشار از پایین روی آورده‌اند. بدون شک فعالین سوسیالیست باید با دخالت دلسوزانه خود تلاش کنند که بسیج کارگران به ابزار سازش و دامن زدن به این توهومات تبدیل نشود.

از طرف دیگر همین که بیانیه از تکیه یکجانبه بر ایجاد سندیکا به عنوان تنها ظرف تشکل یابی کارگران دست برداشته و بعضی از اعضای کمیته پیگیری در مصاحبه‌هایشان از تشکل‌کاری اعم از شورا و اتحادیه حرف می‌زنند و از طرف دیگر اظهار نظر برخی از اعضا و سخنگویان کمیته پیگیری در رابطه با محدود کردن تشکل‌کاری به مبارزات صنفی و یا ارائه درک‌های متفاوت از تشکل مستقل‌کاری، همه اینها بیانگر آن است که کمیته پیگیری و یا مجمعی که کمیته پیگیری را انتخاب کرده است حامل گرایش‌های مختلف سیاسی است، و باز تلاش فعالین هیئت مؤسس در آخرین مجمع عمومی این حرکت برای محصور کردن این حرکت در چهارچوب انتظارات خانه کارگر رژیم و مخالفت اکثریت حاضران در جلسه با این تلاش‌ها همین واقعیت را ثابت می‌کند. بنابراین کل این تجربه کاری را بحساب رفرمیسم و سندیکالیسم نوشتن کار درستی نیست.

اما علیرغم هر انتقاد و ارزیابی که از کمبودهای این حرکت داشته باشیم، تلاش کمیته پیگیری و طوماری که تهیه شده است گوشه‌ای از تلاش‌ها و مبارزات طبقه کارگر ایران برای ایجاد تشکل توده‌ای کاری است. آنچه در این رابطه اهمیت پیدا می‌کند تقویت آن تلاش‌هایی است که می‌خواهد گرایش سوسیالیستی درون جنبش کاری سیاست و موضعی نسبتاً یکسانی در قبال این حرکت اتخاذ کند.

این حرکت نباید از جانب فعالین رادیکال و سوسیالیست کاری تحریم و بایکوت شود. زمانی که پای چند هزار کارگر و یک حرکت توده‌ای به میدان می‌آید موضع دلسوزانه و مسئولانه ایجاب میکند که با برخورد دخالتگرانه مانع آن شد که این حرکت در چهارچوب انتظارات تعیین شده از جانب خانه کارگر رژیم محصور گردد و در نیمه راه به سازش کشانده شود. نباید گذاشت که کارگران را در انتظار اقدامات وزارت کار رژیم قرار دهند. باید به روشنی زیانبار بودن موضع متزلزل فعالین



هیئت مؤسس سندیکاها را که در این حرکت حضور دارند برای کارگران توضیح داد.

بنابراین در اینجا مسئولیت فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری فراتر از امضا یا امضا نکردن طومار است، حضور فعال آنان در این حرکت در گرو آن است که با برخورد دخالتگرانه خود تضمین کنند که به اندازه نیرویی که دارند می‌توانند بر جهت‌گیری‌های این حرکت تاثیر بگذارند و افق روشن را در پیش پای این حرکت قرار دهند. اقدام کمیته پیگیری یک ابتکار عمل کارگری است اما بدون شک اقدام پیشروان کارگری برای ایجاد این تشکل‌ها به این حرکت محدود نیست و نخواهد ماند.

در شرایط کنونی با توجه به نیاز جمهوری اسلامی به پیوستن به سازمان تجارت جهانی و در همین رابطه قبول برخ از مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار، تلاش «آی. ال. او» برای اجرای مقاله‌نامه‌های مورد نظر، بی‌اعتباری کامل شوراهای اسلامی و خانه کارگر، موضوع ایجاد تشکل‌های کارگری را به یک موضوع سیاسی روز تبدیل کرده است. از طرف دیگر گسترش مبارزات صنفی کارگران در چند سال گذشته، اول ماه مه سال گذشته و پیامدهای آن، حضور شمار زیادی از فعالین و پیشروان رادیکال کارگری که در سطح جنبش کارگری به چهره‌های نسبتاً شناخته شده‌ای تبدیل شده‌اند، زمینه‌های عینی تشکل کارگری را فراهم کرده است. فعالین و پیشروان کارگری بویژه فعالین سوسیالیست درون این جنبش لازم است با ایجاد هماهنگی در میان صفوف خود ایجاد تشکل‌های ضد سرمایه داری و توده‌ای کارگری را در دستور کار خود قرار دهند. نباید منتظر وزارت کار یا هیچ ارگان دیگر رژیم بمانیم تا موانع سر راه تشکلیابی کارگران را فراهم کند.

امیدوارم جلسات و تجمعات کارگری که به منظور تدارک برگزاری اول ماه مه تشکیل می‌شوند به ایجاد هماهنگی بیشتر در میان فعالین و پیشروان کارگری برای ایجاد این تشکل‌ها کمک کنند.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۸